

# دست بوسی استاد

موضوع ساده است...وقتی بدنت بیمار است وقت داری به تک تک سلولهایت بیندیشی. اولش فکر کردم آنفلونزا است ولی قویتر است...هر چی که هست خیلی ضعیف کننده است

هنوز سرفه هایم وقتی آغاز میشود بی امان است و بیشتر سردرد های ضعیف کننده + تعریق شدید بدنم را فرامیگیرد!

امروز دیگه از تخت بیماری اومدم بیرون..رفتم جنوب انگلیس که بسیار زیبا بود.سمت هستینگ ...



به جز لندن ، انگار نه انگار المپیک 5 شنبه آغاز میشود. در لندن همه چیز ظاهرا مهیاست برای آغاز بازیها...در 5 نقطه لندن اسکرینهای بزرگ تعبیه شده است که مردم تماشا کنند.

یکی از مهمترین اتفاقات این روزهایم ، دیدارم با استاد آکسفوردم Andrew B در BRITISH LIBRARY بود. روز اول درس وقتی داستان آشنایش را با یونگ میگفت ، چشمانش برق میزد . ترومایی روانی در 22 سالگی و رفتن نزد بانویی روانکاو در لندن که شخصا توسط یونگ آنالیز شده بود و تحولات استثنایی زندگیش .



آخرین بار دو سال پیش دیده بودمشان . تو این مدت خیلی پیر شده بودند و نمیدانستم فرحت دیدار داشته باشم یا غم پیری، از بس پیر شده بودند. از شون پرسیدم و گفتند درگیر جذب کمک مالی برای انستیتوی جدید یونگ- ابن عربی هستند . از این حرفها گذشته ،خیلی من و همسر خانم را تحویل گرفتند و کتابی هدیه به ما دادند درباره زندگی ابن عربی.

---

خبر خوب اینست که مرکز تحقیقات مشترک بین آرای دکتر یونگ و ابن عربی در حال تاسیس است و من حاصل 5 سال مطالعه درباره فرهنگ اسلامی و مفاهیم روانشناسی عمقی را به این مرکز تقدیم خواهم کرد . ( سمیر همکار دیگر این مرکز هستند که سایکوتراپیستی اهل تسنن هستند )

---

استاد 5 سال پیش این سوال را پرسیدند که مدل انسان فردیت یافته با انسان کامل معرفت اسلامی چه نسبتی دارد و این سوال دست مایه تحقیقی طولانی برای بنده شد که به تدریج رونمایی خواهد شد .به

خدمت استاد عرض کردم تا اینجای تحقیقاتم بی تردید ، فردیت یونگی ، با همه زیبایی هایش ختم به انفرادی تلخ میشود در مقایسه با افراد پر از غنایی که عرفان اسلامی میدهد( سهروردی و مولوی و حافظ ). برای ادای همین جمله آخر سپتامبر 2011 شخصا رفتم سوییس و فضای روانکاوان یونگی را در انستیتو یونگ زوریخ از نزدیک حس کردم و نمیتوانم بگم امیدی در دلم روشن گشت .

فردیت INDIVIDUATION از مباحث کلیدی نظریه یونگ است و انسان فردیت یافته ، غایت نظریه یونگ است. به نظر میرسد خروجی این نوع انسان بعد از نزدیک به یک قرن نیاز به تامل بیشتری دارد. این مدل انسان در هندسه ذهنی یونگ ، شکل خاصی دارد که با ردیابی ذهن و نوع زندگی یونگ قابل فهم است . کانتکتست ( بستر ) یونگی ، محیط نخبه اروپا میباشد ( و نه محیط عمومی اروپا ) و در این محیط زیبایی هایی وجود دارد ولی خروجی این سیستم خیلی بدرد سایر بسترهای فرهنگی نمیخورد ! من برای فهم مفاهیم یونگی فلسفه غرب ، هنر کلاسیک و مدرن غرب و موسیقی کلاسیک زیبای اتریش و .. را به اندازه کوپن خودم در زندگی وارد کردم و خیلی بهم کمک شد( کاری که شاید در سالهای دهه سوم زندگی میبایست انجام میدادم) الان کم کم در آستانه 40 سالگی میتوانم دریافتهایم را بنویسم

فردیت یونگی ، در همین فضای نخبگی مورد نظرش، جزایری جدا جدا از انسانهایی فراهم می آورد که رشد یافته اند ولی تنهاییند. نه از آن تنهایی های دلنشین و غنی بلکه انفرادی تلخ .

تنهایی مثنوی امید وصل دارد : وز جدایی ها حکایت میکند . یعنی یک نقطه وصلی هست در انتهای این مسیر .

فردیت یونگی ، انسان را وسعت میدهد، داده های درونی را به فعلیت میرساند □ SELF را میخواهد محقق سازد ولی بین 20 جلد نوشته یونگ و خروجی های قابل لمس این سیستم ، دره عمیقی ایجاد میشود (من شخصا یونگینهای Post-Jungian آمریکایی ها را میپسندم که به جز رابرت بلای که چند سال پیش در موسسه انتشاراتی واترسون لندن آمد بقیه را فقط کتابی میشناسم )

---

حرکت قابل تحسینی است ترجمه آثار روانشناسی عمقی . حتی بریده مقالات یونگی که در صفحات اجتماعی منتشر شده است بسیار بهتر از دوران قحطی اطلاعات تخصصی است

اشکال اینست که آشفتگی و دستپاچگی مشهودی در این روند وجود دارد و خط سیری دقیق در این زمینه وجود ندارد و کافیست نگاهی به ادعاهای عجیب غریب غیر روانشناسان و غیردرمانگران در یونگی بودن خود بیندازید تا متوجه شوید چقدر سخت است سیر علمی مناسب داشتن در این وانفسا

ثانیا عمده خوانندگان فهیم بیشتر آثار یونگین ها را میخوانند و با خود کلام دکتر یونگ تقریبا هیچ ارتباطی ندارند و این موجب قطع سرچشمه مطالعاتی میشود و پر واضح است جامعه روانشناسی باید همتی بگمارد به مطالعه آثار اصلی یونگ

ثالثا خبر خوب اینکه در لندن رایزنی هایی کردیم که مشترکا از طرف کیی از دانشکده های معتبر روانشناسی کشور و موسسه خودم ، اساتید یونگی آکسفورد را به ایران دعوت کنیم و سمینارهایی در این

زمینه برگزار کنیم که دانشجویان و اساتید ایرانی در جریان آخرین دستاوردهای روانشناسی یونگی در دنیا قرار بگیرند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. نقطه نظر استاد بنده این بود که دکتر رودریک مین از دانشگاه اسکس نیز در این تیم باشند و من شخصا دکتر مین را 3 سال پیش در اسکس دیده ام و بسیار چهره معتبری در این زمینه هستند. حتی در اینجا برایشان جالب بود که در تنها کشر شیعی در تفکر اسلامی، علاقه مندانی به روانشناسی عمقی وجود دارند که کار دقیق مطالعه و تدریس و ترجمه و انتشار این نوع آثار را به عهده گرفته اند

---

همچنان احترام عمیق را به دکتر یونگ و متفکرین این حوزه حفظ میکنم و معتقدم بدون سرسپردگی علمی کورکورانه، شیوه نگرش یونگ بدر ما میخورد تا با این مته به سراغ معادن فکر و اندیشه تمدن خویش برویم کاری که این روزها بانو فرزانه یوسف قنبری با آثار نظامی گنجوی و بانو نسترن کاتبی با شاهنامه فردوسی میکنند و به ما غواصی یاد میدهند

---

خانم یوسف قنبری صاحب کرسی نظریه پردازی در زمینه ارکتایپهای زنانه در آثار نظامی گنجوی در دانشگاه آزاد دزفول هستند که بنده سالها قبل افتخار معلمی کوتاه مدتشان را در بحث شخصیت شناسی داشتم

خانم نسترن کاتبی با استعداد شگرف خود در تفسیر شاهنامه فردوسی، ارتباطهای عمیق روانشناختی یونگی را در این اثر حماسی رصد کرده اند امیدوارم مکتوبش را به مردم علاقه مند هدیه بدهند

نگارنده شخصا به درمان مختلط MIXED اعتقاد بیشتری دارم ولی نمیتوانم تاثیر نظریات یونگ را در درمان مراجعین ایرانی انکار کنم (TRANSFERENCE & COUNTER T).

---

خیلی از بزرگان در دانشگاه و غیر دانشگاه برای توسعه مفاهیم روانشناسی عمقی زحمت کشیده اند که گمانمند...اما پیشکسوتی این بزرگان در فرهنگ این دیار غیر قابل انکار است. مردان و زنانی هستند که با تعهدی مثال زدنی به دانش و بدون گزافه گوییهای غیر علمی به مطالعه و بسط نظریات روانشناسی عمقی مشغولند؛ دستشان را میبوسم